

مقدمه

قرآن متضمن دستورات پروردگار است و ریشه اصلی معارف اعتقادی و قوانین اخلاقی و عملی در آن می‌باشد. اما این کتاب بزرگ زندگی و هدایت آور بشر، قرن هاست که دستخوش غبار قرار گرفته و از زندگی آدمیان مهجور مانده است. این امر تا بدانجا ست که قلب پیامبر ﷺ را اندوهگین ساخته بود و از مهجوریت قرآن به خدا شکایت می‌کند: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» و پیامبر خدا گفت: پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کردند.» فرقان، آیه 30

بنابراین ضروری است ابعاد و علل مهجوریت قرآن مورد بررسی قرار گیرد و راهکاره هایی برای زدودن آن داده شود. تحقیق حاضر، دارای چهار فصل است، فصل اول: درگفتار نخست کلیات پژوهش را که شامل: تبیین موضوع، بیان مسئله، علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده، پیشینه، سؤال‌های اصلی و فرعی، روش تحقیق و فرضیه پژوهش است مورد بررسی قرار می‌گیرد، درگفتار دوم معنای لغوی و اصطلاحی قرآن و مهجوریت آن را از دیدگاه لغت‌شناسان مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل دوم: درگفتار نخست مهجوریت قرآن را از منظر آیات و روایات بررسی می‌شو. درگفتار دوم ابعاد مهجوریت قرآن را بررسی می‌کند. در فصل سوم: عوامل مهجوریت قرآن بررسی می‌شود. در فصل چهارم: راهکارهایی برای زدودن مهجوریت قرآن داده می‌شود.

مهجوریت قرآن ازمنظر آیات و روایات و ابعاد مهجوریت قرآن

گفتار اول: مهجوریت قرآن ازمنظر آیات و روایات

گفتار دوم: ابعاد مهجوریت قرآن

گفتار اول: مهجوریت قرآن ازمنظر آیات و روایات
محقق در این قسمت درصدد است مهجوریت قرآن را ازمنظر آیات و روایات مورد بررسی قرار دهد.

بند اول: مهجوریت قرآن ازمنظر آیات

پیامبر اکرم ﷺ در آیه 30 سوره فرقان از قوم خود که قرآن را به مهجوریت می‌کشاند به خداوند متعال شکایت می‌کند: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا^۱» و پیامبر عرضه داشت پروردگارا! قوم من قرآن را متروک ساختند.»

پیامبر ﷺ به یقین می‌دانست که بسیار زیادی از افراد امت و بسیاری از جوامع اسلامی قرآن را متروک خواهند گذاشت. اگر در گذشته و حال به وضعیت جوامع اسلامی نگاه شود، این گلایه و دردمندی پیامبر ﷺ به خوبی آشکار می‌گردد. چرا که قرآن در این کشورها فقط با صدای نیکو تلاوت می‌شود، به طرز بسیار زیبایی در کاشی کاری‌های مساجد به کار می‌رود. مدارس برای حفظ آن دایر و .. در حالی که پایه‌های سیاسی - فرهنگی این جوامع بر مبنای غربی استوار است ولی عملاً در زندگی آنها جایی ندارد. خداوند از قول پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» یعنی با وجود در دسترس بودن، از عمل بر آن غافل شدند، به عبارت دیگر در عین حالی که قرآن نزدشان بود و آن را می‌خواندند ولی از عمل به دستورات آن خبری نبود و عملاً قرآن در زندگی آنها جایی نداشت.

قرآن کریم برای کسانی که قرآن را به مهجوریت می‌کشاند و به عبارتی آن را می‌خوانند و به آن عمل نمی‌کنند مثلی شگفت می‌زند و می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا^۲ بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^۳» مثل کسانی عمل به تورات بر آنان بار شد و به آن مکلف گردیدند آنگاه آن را به کار نبستند هم‌چون مثل چارپایی است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کنند. چه زشت است وصف قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.»

بنابراین اگر جوامع اسلامی بخواهند مشمول شکایت پیامبر ﷺ بر پیشگاه الهی نشوند باید قرآن را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کنند. در آیه سی ام سوره فرقان، خداوند با استفاده از کلمه «اتخذوا» بیانگر این نکته است که اتفاقاً قوم رسول اکرم ﷺ نه تنها قرآن را وا نهاده‌اند و ترک نگفته است، بلکه آن را در

1 سوره فرقان (25)، آیه 30.

2 سوره جمعه (62)، آیه 5

اختیار گرفته و به آن دست یافته‌اند ولی تمام مسئله این است که این به دست آوردن و در اختیار گرفتن قرآن به گونه ای است که در اثر عدم درک صحیح و شناخت اصولی و استفاده شایسته و بایسته، قرآن در این میان عملاً مهجور و متروک مانده است. بنابراین معنای صحیح «اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» این است که قرآن را به مهجوریت گرفتند. مهجور کردن و به مهجوریت گرفتن مانند تعبیری چون مسخره کردن و به مسخره گرفتن، بازی کردن و به بازی گرفتن. .. تفاوت ظریفی با هم دارند. در اولی (بازی کردن، مهجور کردن، مسخره کردن) فعل، صریح و آشکار صورت می‌گیرد و فاعل نیز دانسته، ترس و ابایی ندارد که فعل را صریح و بی پرده انجام دهد تا دیگران به واقعیت فعل وی پی ببرند.

در حالیکه در دومی (به بازی گرفتن، به مهجوریت گرفتن، به مسخره گرفتن) فاعل به هر علت (حتی جهل) صریحاً به انجام فعل مبادرت نمی‌ورزد، بلکه آن را در پرده ای از فضا و پوششی انجام می‌دهد، به گونه ای که در ابتدا نمی‌توان به واقعیت فعل وی پی برد، بلکه شاید در ابتدا عکس آن هم به نظر برسد.

مهجور کردن قرآن یعنی روی گردانی و دوری از آن، در حالیکه مهجور گرفتن قرآن یعنی پرداختن به قرآن ولی به گونه ای که اگر چه در ظاهر به قرآن توجه دارد ولی حقیقت مطلب این است که در همه این رویکردها قرآن بیگان و ترک شده است. پیامی که در طول قرون اسلامی از این آیه شریفه برداشت شده است بیان در نکوهش از مهجور کردن قرآن است که به عنوان شکایت رسول خدا ﷺ در روز قیامت به محضر پروردگار عرضه می‌گردد. در تفسیر مجمع البیان ذیل همین آیه آمده است: منظور از رسول در این آیه، محمد ﷺ است که از قوم خود شکایت می‌کند که پروردگارا قوم من این قرآن را مهجور کردند! معنای «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» این است که قرآن را رها کرده و به دنبال شنیدن و فهمیدن آن نیستند.³

نزدیک به همین معنا را می‌توان در دیگر تفاسیر و ترجمه‌ها مشاهده کرد: شکوه پیامبر ﷺ به پیشگاه خداوند از مردم به خاطر متروک ساختن قرآن کریم بوده است.⁴

بند دوم: مهجوریت قرآن از منظر روایات

3 رک فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان معلوم القرآن، ج 7، همان، ص 263.

4 اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج 12، قم، بوستان کتاب، دفتر تبلیغات اسلامی، 1313، ص 414.

همچنان که قرآن درباره اهمیت آخرین کتاب خدا و رفتار مناسب با آن به مسلمین سفارش می‌نماید، در احادیث هم مکرراً این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است.

با توجه به این که روایات بسیاری در جوامع روایی از اهل بیت عصمت و طهارت در رابطه با قرآن و موضوعات قرآنی وارد شده است. انتخاب چند روایت از بین سخنان متعالی اهل بیت که سراسر حکمت، معرفت و موعظه است، کاری بس دشوار است. از این رو و با توجه به اختصار این نوشتار از بین آن همه جواهرات درخشان تنها چند نمونه را انتخاب می‌کنیم.

1- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن‌ها را مثل قبرستان خاموش و تاریک نکنید، همانگونه که یهود و نصاری رفتار کردند که عبادت را مخصوص معابد قرار دادند پس هر خانه‌ای که در آن زیاد تلاوت قرآن شود خیر و برکت در آن زیاد می‌شود، گستردگی و گشایش در اهل خانه پیدا شده که خانه بر اهل آسمان نور افشانی می‌کند، همانگونه که ستارگان بر اهل زمین نور افشانی می‌کنند.»⁵

2- مولای متقیان (ع) در نهج البلاغه درباره قرآن چنین سخن می‌گویند: «بی‌گمان پس از من روزگاری برای شما فرا خواهد رسید که چیزی از حق پنهان‌تر و از باطل آشکارتر و از دروغ بستن به خدا و پیامبرش بیشتر نخواهد بود، در نزد مردم آن زمان کالایی کسادتر از این نیست که قرآن چنانکه شایسته آن است خوانده شود، رایج‌تر از این نیست که به دلخواه تفسیر و در معانی آن تغییر داده شود، در شهرها چیزی زشت‌تر از کار خوب، و خوب‌تر از کار بد نباشد، حاملان قرآن آن را کناری می‌گذارند، و حافظانش آن را فراموش کنند، در آن روزگار کتاب خدا و پیروان راستین آن رانده و به دور افتاده‌اند، آنها دو یار همراه و همگامند که هیچ کس به آنها پناه نمی‌دهد، از این رو اگر چه در آن زمان قرآن و اهل آن در میان مردمند اما در میان آنان و همراه آنان نیستند، زیرا گمراهی و هدایت اگر هم در یک جا جمع شوند با یکدیگر توافق و سازگاری ندارند، مردم آن روزگار بر تفرقه و پراکندگی از دین اتفاق کرده، و در اتحاد و یگانگی اختلاف دارند، چنین می‌نماید که آنان کتاب خدا را امام و پیشوایند، و کتاب خدا امام و پیشوای آنها نیست، لذا در نزد این مردم از قرآن جز

⁵ محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج 2، دارالکتاب الاسلامیه 1375، ص 609

نامی باقی نمی ماند و از آن جز خط و نوشته اش چیزی نمی شناسند آنها از دیر زمان نیکوکاران را به انواع شکنجه ها دچار ساختند ، و گفتار راست آنها را دروغ بر خدا نامیدند ، و بدی را کیفر نیکی قرار دادند.⁶

3- پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند : «هر کس قرآن بخواند ولی آن را بکار نبندد ، خداوند آن را روز قیامت نابینا محشور سازد. امید است با پیروی از پیشوایان دین، به دستورات قرآن کریم عمل نمایم و زمینه ترویج فرهنگ قرآن را در جامعه فراهم سازیم تا مشمول شکایات پیامبر اکرم ﷺ از مهجور کنندگان قرآن واقع نشویم.⁷»

4- سعد خفّاف در روایات مفصلی از وجود امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمودند : «ای سعد ، قرآن را بیاموزید زیرا قرآن در روز قیامت در زیباترین صورتی که مردم دیده اند به محشر آید و بر اصناف مختلف مردم می گذرد . آنگاه خدای تبارک و تعالی از او سؤال می کند چگونه دیدی بندگانم را ؟ در پاسخ عرض کند «برخی مرا نگه داشته و حفظ کردند و چیزی از مرا ضایع نکردند و برخی مرا ضایع کردند و حق مرا خوار شمردند و مرا دروغ دانستند و منم حجت تو بر همه خلقت».⁸

5- امام صادق علیه السلام درباره قرآن می فرماید: «قرآن کتاب زنده ای است که مرگ نیستی در آن راه نمیابد و مانند شب و روز و آفتاب و ماه ساری و جاری است یعنی قرآن منجمد در هیچ موردی نبوده و منحصر در حیطه ی زمانی خاصی نیست.⁹»

⁶ میثم بن علی، ابن میثم، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ترجمه حبیب روحانی، تهران، بنیاد پژوهش های اسلامی، ص 420.

⁷ محمد بن سمعی، صدوق، ثواب الاعمال الحیاه، تهران، (بی تا)، 1377، ص 317

⁸ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، همان، ص 505.

⁹ محمد حسین طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن، چاپ 5، قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم 1417ق، ص 385

گفتار دوم: ابعاد مهجوریت قرآن
با رحلت پیامبر اکرم ﷺ مهجوریت قرآن آغاز شد و به تدریج ابعاد وسیع تری گرفت از جمله: 1-
مهجوریت قرآن در تلاوت 2- مهجوریت قرآن در استماع 3- مهجوریت قرآن در حفظ 4- مهجوریت قرآن در
تدبر و.. که به طور مفصل در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

بند اول: مهجوریت قرآن در تلاوت

مهجوریت قرآن در تلاوت را در چهار بخش می توان بررسی کرد.

1-1- تلاوت نکردن قرآن

دسترسی آسان مردم به قرآن جای تردید ندارد. شاید کمتر مکانی را بتوان یافت که در آن قرآن کریم موجود نباشد. اما با این وجود اندک افرادی در برنامه زندگی خود زمانی را به تلاوت و انس با قرآن اختصاص می دهند علی رغم تأکید فراوان قرآن و توجیه پیشوایان درباره تلاوت بسیاری از مردم از نعمت و تلاوت و آثار ارزشمند آن بی بهره اند.

«قرآن کریم می فرماید: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^{۱۰}؛ آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید» آیه شریفه همگان را به قرائت قرآن فراخوانده است زیرا، قرآن نور الهی است و خواندن آیات آن حتی بدون درک معانی عبادت است.

و امام صادق علیه السلام در مورد تلاوت قرآن می فرماید: «قرآن عهد نامه خدا برای مردم است. شایسته است که انسان مسلمان به آن عهدنامه نگاه کند و در هر روز پنجاه آیه بخواند.»^{۱۱}

1-2- رعایت نکردن آداب تلاوت قرآن:

برای آنکه از تلاوت قرآن بهره کافی برده شود و تلاوت قرآن، قاری را به هدف رهنمون شود باید آداب و شرایط تلاوت و حق تلاوت آن را به بهترین وجه رعایت نمود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قاری قرآن به سه چیز نیاز دارد: دلی خاشع، بدنی فارق، جایی خالی، و چون دل او برای خدا خاشع گردید شیطان رجیم از او گریزان خواهد شد.»^{۱۲}

بنابراین برای تلاوت قرآن آداب فراوانی ذکر شده است که به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

1- تعظیم: اولین شرط حضور در محضر قرآن، بزرگ شمردن، برخورد مؤدبانه و همراه با احترام است چرا که قرآن تجلی خداوند متعال است. امیر المؤمنان امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فتجلی سبحانه لهم فی کتابه من غیر ان یکونوا رأوه»^{۱۳} پس خدای سبحان، در کتاب خود قرآن بی آنکه او را ببینند خود را به ایشان آشکار گرداند.

قرآن کتاب خدا، کلام خدا و هدیه محبوب است که برای بشر فرستاده شده است، همانگونه که محبوب را باید محترم و بزرگ شمرد، هدیه او را نیز باید ارزشمند و عزیز دانست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قرآن پس از خدای تعالی از هر چیزی برتر است، هر که قرآن را محترم و بزرگ شمرد، خدا را بزرگ شمرده، و هر کس قرآن را محترم و بزرگ نشمارد، حرمت خداوند را سبک شمرده است.»^{۱۴}

بنابراین عظمت قرآن اقتضا می‌کند انسان، با تواضع و به قصد تأثیرپذیری در پیشگاه کتاب خدا حاضر شود و با وضو و حضور قلب و رو به قبله آیات آن را تلاوت نماید.

11 محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 2، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، ولی عصر، 1375، ص 109

12 عبدالعلی بن جمعه، الرعوسی حویزی، ترجمه سید حسن موسوی خمینی، تفسیر نورالثقلین، ج 3، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1415 ق، ص 85.

13 صبحی صالح، نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، خطبه 147، قم، البحوث الاسلامیه، 1359، ص 142.

14 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 92، بیروت مؤسسه الوفا، 1403، ص 19.

2- استعاذه: تلاوت قرآن، باید با پناه بردن از شرّ شیطان آغاز شود، قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^{۱۵} پس هنگامی که قرآن می‌خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.

3- پاکیزگی: بهره‌مندی از قرآن مستلزم پاکیزگی ظاهری و باطنی شامل تطهیر دهان و زبان، استغفار از گناهان و تطهیر جسم و جان است چرا که قرآن پاک و پاکیزه است و فقط پاکیزگان می‌توانند از آن توشه بردارند: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^{۱۶} جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند.

4- ترتیل: قرآن را باید شمرده همراه با و توأم با تأمل تلاوت کرد: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^{۱۷} یا [مقداری] بر نصف بیغزا، و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان.»
تلاوت کننده قرآن نباید در اندیشه ختم سریع آیات و سوره‌ها باشد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «همت تان این نباشد که زودتر به آخر سوره برسید.»^{۱۸}

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ترتیل آن است که در قرائت تأمل و دقت کنی و آن را با صوت نیکو بخوانی»^{۱۹}
از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم هر چند تفاوت به تنهایی دارای ثواب و فضیلت است ولی هدف مستقل به حساب نمی‌آید. هدف از تلاوت قرآن آشنایی با حق و بهره‌مندی از هدایت است، بنابراین رعایت آداب تفاوت زمینه ساز هدایت انسان و عمل به دستورات قرآن کریم می‌باشد.

بند دوم: مهجوریت قرآن در استماع

15 سوره نحل، (16) آیه 98.

16 سوره واقعه، (56)، آیه 79.

17 سوره مزمل، (73) آیه 4.

18 محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ذیل آیه 4 مزمل، قم، انتشارات جامعه مدرسین، حوزه علمیه، 1374، ص 28.

19 فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 1، همان، ذیل آیه 4 مزمل، ص 201.

گوش نسپردن به آیات خدا و سخن گفتن در هنگام تلاوت قرآن از واقعیت‌های تلخ در میان مسلمانان می‌باشد. این درحالی است که خداوند متعال از هرگونه سخن گفتن در وقت تلاوت نهی فرموده است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^{۲۰} هنگامی که قرآن خوانده می‌شود گوش فرادهید و خاموش باشید، شاید مشمول رحمت خدا شوید».

برای این آیه شأن نزول‌هایی ذکر کرده‌اند از جمله ابن عباس و جمع دیگری گفته‌اند مسلمانان در آغاز کار گروهی در نماز صحبت می‌کردند و گاهی شخص تازه وارد، به هنگامی که نماز را شروع می‌کرد، از دیگران سؤال می‌کرد، چند رکعت نماز خوانده اید؟ آنها هم جواب می‌دادند فلان مقدار، آیه نازل شد و آنها را از این کار نهی کرد. «انصوا» از ماده «انصات» به معنی سکوت توأم با گوش فرا دادن است».

در اینکه آیا این سکوت و یا استماع به هنگام قرائت قرآن در تمام موارد است، یا منحصر به وقت نماز و هنگام قرائت امام جماعت و یا هنگامیکه امام در خطبه نماز جمله قرائت می‌کند، در میان مفسران گفتگو بسیار است و احادیث مختلفی در کتب حدیث و تفسیر در این زمینه نقل شده است.

آنچه از ظاهر آیه استفاده می‌شود این است که این حکم، عمومی و همگانی است و مخصوص به حال معینی نیست، ولی روایات متعددی که از پیشوایان اسلام نقل شده به اضافه اجماع و اتفاق علما بر عدم وجوب استماع در همه حال، دلیل بر این است که این حکم به صورت کلی یک حکم استجابی است، یعنی شایسته و مستحب است که در هر کجا و در هر حال که کسی قرآن را تلاوت کند، دیگران به احترام قرآن سکوت کنند و گوش جان فرا دهند و پیام خدا را بشنوند و در زندگی خود از آن الهام گیرند، زیرا قرآن تنها کتاب قرائت نیست، بلکه کتاب فهم و درک و سپس عمل است، این حکم مستحب به قدری تأکید دارد که در بعضی از روایات از آن تعبیر واجب شده است.^{۲۱}

امام صادق (ع) می‌فرماید: «بر تو واجب است که در نماز و غیر نماز در برابر شنیدن قرآن سکوت و استماع کنی و هنگامیکه نزد تو قرآن خوانده شود، لازم است سکوت کردن و گوش فرا دادن»^{۲۲}

20 سوره اعراف (7)، آیه 204.

21 ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 9، همان، ص 69-70

22 هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج 2، قم، دارالتفسیر، 1417، ص 57.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «از شنونده قرآن شر دنیا رفع گردد، و از خواننده قرآن گرفتاری آخرت دور گردد، و کسی که یک آیه قرآن گوش دهد برای او بهتر است از کوه «ثبیر» که طلا باشد.»^{۲۳}

قرآن کتابی است که آیات آن را باید شنید و در آن اندیشه کرد و به کار بست. آنان که ارزش سخنان خدا را می‌دانند در هنگام شنیدن قرآن، با گوش جان به آن گوش می‌سپارند. چرا که قرآن کریم، خود ضرورت استماع و لزوم سکوت را یادآور شده و آن را شرط بهره‌مندی از رحمت خدا دانسته است.

اگر مسلمانان باور داشته باشند که قرآن کلام خداست و خداوند در آن با آنها سخن گفته است و خود را مخاطب آن قرار دهند. هنگامی که آیات آن به گوششان می‌رسد به یقین بدون پرداختن به عملی که منافی با گوش سپردن باشد، آن را با گوش جان خواهند شنید.^{۲۴}

بند سوم: مهجوریت قرآن در حفظ

همزمان با نزول آیات نورانی قرآن، اسلام باوران آغازین با سرمشق قرار دادن دستورالعمل‌های رسول گرامی اسلام ﷺ اشتیاق فوق‌العاده‌ای نسبت به حفظ قرآن از خود نشان دادند. حافظان قرآن از سوی پیامبر اکرم ﷺ همواره تشویق می‌شدند و در جامعه نیز از جایگاه بلندی برخوردار بودند. آنان تنها به حفظ آیات اکتفا ننموده و عمل به آیات را سرلوحه برنامه زندگی خود قرار داده بودند. بدین جهت هر یک از حافظان قرآن مبلغی توانا و اسلام‌شناسی برجسته به شمار می‌آمد. اعزاز آنها به سرزمین‌های اسلامی از سوی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان معلم قرآن و مبلغ احکام و معارف اسلام گواه روشنی بر این مطلب می‌باشد.

در روایاتی که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است حفظ قرآن بسیار مورد توجه واقع شده و برای آن ثواب و فضیلت فراوانی ذکر شده است. آن حضرت در روایتی فرموده‌اند: «عدد و درجه‌های بهشت، عدد آیه‌های قرآن است، و کسی که همدم قرآن است چون وارد بهشت شود به او گفته می‌شود، بالا برو و بخوان، که برای هر آیه ای درجه ای است، و بدین ترتیب بالاتر از درجه حافظ قرآن درجه ای نیست.»^{۲۵}

کسی که آیاتی از قرآن را در دنیا حفظ نموده و سپس فراموش کرده باشد با مشاهده چنین جایگاهی جز افسوس و حسرت چیزی عاید او نمی‌شود. دلی که جایگاه قرآن شود نه تنها گرد گناه نمی‌چرخد بلکه شعاع

23 محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 92، همان، ص 19.

24 محمد بهشتی، روش برداشت از قرآن، تهران، هفت تیر، 1360، ص 48.

25 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار ج 92، همان، ص 22

تأثیر آن اطرافیان را هم پوشش خواهد داد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید که خداوند دلی را که قرآن را حفظ کند عذاب نمی کند.»^{۲۶}

حافظ قرآن، نه تنها خود عذاب نمی شود بلکه در پیشگاه خداوند متعال از مقامی برخوردار است که در قیامت به وی اجازه شفاعت نیز داده می شود؛ در روایتی از رسول اکرم ﷺ می خوانیم: «کسی که قرآن را حفظ کند و حلالش را حلال و حرامش را حرام بداند، خداوند او را به بهشت می برد و شفاعت او را درباره ده نفر از خاندانش که آتش دوزخ به آن ها واجب گشته است می پذیرد.»^{۲۷}

بند چهارم: مهجوریت قرآن در تدبیر

بدون تدبیر در آیات قرآن، درک حقیقت کلام خدا دست یافتنی نیست. کتاب خدا باید با تدبیر و اندیشه قرائت شود: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ»^{۲۸} این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده ایم تا آیاتش را تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»^{۲۹} آیا در قرآن نمی اندیشند [تحقیق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟»

در روایت آمده است اصحاب پیامبر اکرم ﷺ ده آیه از قرآن را از پیامبر ﷺ می آموختند و پس از فهمیدن آیات و عمل کردن به آن ها ده آیه دیگر را فرا می گرفتند.^{۳۰}

امام صادق (ع) درباره حق تلاوت آیات می فرماید:

«آیات آن را با دقت بخوانند، حقایق آن را درک کنند و به احکام آن عمل نمایند، به وعده های آن امیدوار، و از وعیدهای آن ترسان باشند، از داستان های آن عبرت گیرند، به اوامرش گردن نهند و نواهی آن را بپذیرند، به خدا قسم منظور حفظ کردن آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره ها، یادگرفتن اعشار و اخماس^{۳۱} آن نیست.»^{۳۲}

26 همان، ص 20

27 همان، ص 19-20

28 سوره ص، (38) آیه 29.

29 سوره محمد، (47)، آیه 24

30 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 92، همان، ص 106

31 منظور از اعشار و اخماس تقسیماتی است که برای قرآن صورت می گیرد، مانند جزء یا حزب و ...

32 حسن بن ابوالحسن، دیلمی، ارشاد القلوب، نقل از تفسیر نمونه، ج 1، انتشارات شریف رضی، 1412 قمری، بی تا، بی جا، ص 431.

بنابراین هر چند تلاوت به تنهایی دارای ثواب و فضیلت است ولی هدف مستقل به حساب نمی آید. هدف از تلاوت قرآن آشنایی با حق و بهره مندی از هدایت است؛ بنابراین رعایت آداب تلاوت زمینه ساز هدایت انسان و عمل به دستورات قرآن کریم می باشد.

مؤمنان راستین و پرهیزکاران واقعی، تلاوت را با تدبر همراه نموده و بدین سان از سفره رنگین الهی بهره مند می شوند. حضرت علی علیه السلام اشتیاق آنان را چنین توصیف می فرماید:

«پرهیزکاران در شب برپا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند و هرگاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند، و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش، در گوششان طنین افکن است.»^{۳۳}

قرآن کتاب تدبر است و اکتفا به تلاوت بدون تدبر، نمی تواند انسان را به اهداف قرآن رهنمون شود. دستیابی به گوهرهای ناب و ارزشمند اقیانوس، بدون غواصی و اندیشه ورزی ممکن نیست. اساساً قرآن کریم برای تدبر نازل شده است «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ»^{۳۴} این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبر کنند.»

تدبر و اندیشه در آیات قرآن راه شناخت و زمینه درک مفاهیم کتاب خدا را فراهم می سازد قرآن کریم به گونه ای نازل شده است که همگان بتوانند در آن تدبر نموده و از آن بهره مند شوند. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^{۳۵} ما قرآن را برای تذکر، آسان ساختیم آیا کسی هست که متذکر شود؟»

قرآن، کسانی را که در آیات خدا تدبر نمی کنند مورد سرزنش قرار داده و می فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^{۳۶} آیا آن ها در قرآن تدبر نمی کنند، یا بر دل هایشان قفل نهاده شده است؟»

قرآن کریم برای هدایت بشر نازل شده است و برای دستیابی به گنجینه های ارزشمند آن، باید خود را مخاطب آیات خدا قرار داد و درباره آن به تفکر و اندیشه پرداخت. امام علی علیه السلام می فرماید: «الا لاخیر فی قرائه لا تدبر فیها»^{۳۷} آگاه باشید، در قرائتی که تدبر و اندیشه نباشد خیری نیست.»

33 محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه تحقیقات و نشر اهل بیت علیهم السلام، 1379، ص 403.

34 سوره ص (38)، آیه 29.

35 سوره قمر (54)، آیه 22.

36 سوره محمد (47)، آیه 24.

توجه بیش از حد به الفاظ و عبارات قرآن، تلاش برای به پایان رسانیدن سوره‌های قرآن، عدم اهتمام به درک آموزه‌های قرآن در هنگام تلاوت و بی توجهی به ترویج فرهنگ تدبیر در مراکز علمی و آموزشی از نمونه‌های آشکار مهجوریت تدبیر در قرآن می‌باشد.

بند پنجم: مهجوریت قرآن در تفسیر

همان گونه که تلاوت و تدبیر و... هدف غایی به حساب نمی‌آیند تفسیر قرآن نیز هدف نهایی محسوب نمی‌شود و آن چه اهمیت دارد این است که این مقدمات پیوند عملی ما را با قرآن برقرار سازند و ما را به ذی المقدمه که عمل به دستورات سازنده قرآن کریم می‌باشد سوق دهند.

انجام هر عملی نیازمند شناخت آن عمل است و بدون شناخت، دست یابی به عمل یا ممکن نیست یا کورکورانه است. قرآن کتاب زندگی و عمل است و قبل از عمل باید آن را شناخت، تفسیر قرآن شناخت ما را نسبت به آیات الهی افزایش داده و این نقش را می‌تواند به خوبی ایفا نماید.

پس از نزول قرآن از صدر اسلام تاکنون مفسران گرانقدر نسبت به تفسیر قرآن اهتمام ورزیده و قرآن کریم را تفسیر نمودند که بسیاری از کتب تفسیری از گذشتگان به دست ما رسیده است؛ اما در نگارش تفاسیر، همواره مقتضای زمان مورد توجه مفسران بوده است بنابراین ممکن است تفاسیری که در گذشته نوشته شده است در تمامی عرصه‌های زندگی، پاسخگوی امروز نباشد، با توجه به این که قرآن برای همه زمان‌ها نازل شده است و با در نظر گرفتن این که جهان همواره آبستن حوادث و تحولات جدیدی است؛ نگارش تفاسیر روز آمد توسط مفسران و علمای اسلام یک ضرورت انکارناپذیر است.

از نگارش تفاسیر که بگذریم رویکرد خواص و عوام نسبت به تفسیر قرآن در عصر حاضر، چندان رضایت بخش نبوده است.

اگر نگاهی به جامعه علمی امروز بیفکنیم خواهیم دید که هر چند تشکیل کلاس‌های تفسیر در برخی از مراکز علمی و برگزاری مسابقات تفسیر در سال‌های اخیر، گامی هرچند کوچک در ترویج فرهنگ تفسیر قرآن به شمار می‌آید، ولی با این مقدار فعالیت، به یقین نمی‌توان از قرآن مهجوریت زدایی نمود. تا زمانی که تفسیر قرآن در دانشگاه‌ها از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نباشد، و تا وقتی که تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه به عنوان

درس جانبی در کنار دروس اصلی قرار گرفته است، و تا وقتی که خطبا و سخنرانان تفسیر قرآن را سرلوحه سخنان خود قرار ندهند، تا هنگامی که تفسیر قرآن به عنوان کتاب درسی در نظام آموزش و پرورش جایگاهی نداشته باشد، و تا روزی که جلسات تفسیری همانند جلسات قرائت و آموزش قرآن فراگیر نشده است، نمی توان به وضع تفسیر قرآن در جامعه راضی بود.^{۳۸}

5-1- تفسیر به رأی

از ظلم های نابخشودنی که برخی نسبت به قرآن روا داشته اند تفسیر به رأی است. بدون تردید با مطالعه چند کتاب تفسیری نمی توان مفسر شد و آیات قرآن را تفسیر کرد. حضور در محضر قرآن باید با انگیزه شناخت مقاصد و اهداف آیات صورت پذیرد و از تحمیل عقاید بر آیات پرهیز شود. چنان چه در برداشت از آیات قرآن دقت لازم اعمال نشود، گرفتار شدن به عذاب تفسیر به رأی حتمی است.

درباره تفسیر به رأی احادیث فراوانی نقل شده است که این احادیث مردم را از تفسیر به رأی برحذر داشته است، جهت روشن شدن موضوع با رعایت اختصار به دو حدیث اشاره می نمایم:

شهید ثانی - زین الدین عاملی - در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل می کند: «من از امت بعد از خودم بیشتر بر کسی خائف هستم که به قرآن روی آورد ولی نادرست تفسیر کند.»^{۳۹}

حدیث دیگری ترمذی از ابن عباس و او از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند که حضرت فرمود: «جز در مواردی که علم دارید، از نسبت دادن سخن به من پرهیزید؛ زیرا هر کس از روی عمد دروغی را به من نسبت دهد جایگاه خویش را در آتش فراهم آورده و هر کس با نظر خود درباره قرآن سخن بگوید، جایگاه خویش را در آتش فراهم کرده است.»^{۴۰}

درباره تفسیر به رأی دو نکته قابل توجه است:

1- این که گروهی، آیه ای از قرآن را بر دیدگاه یا عقیده و مرام ویژه خود تطبیق دهند، تا آن عقیده را توجیه نمایند و یا به گرایش های مخصوص خود سرپوش نهند و آنها را در قالب تعبیر ویژه ای بر عامه مردم

38 علی محمدی، مقاله مهوریت قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، شماره 5، بهمن 1385.

39 محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 89، همان، ص 112.

40 جامع ترمذی، دارالرائد العربی، ج 5، بیروت، لبنان، 1401، ص 199.

تحمیل نمایند، این افراد درواقع به منظور به نتیجه رساندن اهدافشان از قرآن پلّی ساخته و هیچ گاه در فکر تفسیر قرآن نبوده اند.

2- برای دست یابی به مقصود کلام پروردگار، ابزار و شیوه هایی وجود دارد که از جمله آنها مراجعه به گفتار سلف (صحابه) و اطلاع یافتن بر مطالب رسیده از ایشان درباره آیات، بررسی اسباب نزول و شرایطی است که وجود آنها در تفسیر ضروری است. نادیده گرفتن تمامی اینها و تنها بر فهم خود تکیه کردن، مخالف شیوه همه دانشمندان است هر کس استبداد به رأی بورزد هلاک خواهد شد و هر که نسبت دروغ به خدا دهد، از راه راست منحرف گردیده و به همین دلیل هرچند گاهی صواب گفته باشد، اشتباه کرده است؛ زیرا در انتخاب مسیر، خطا کرده و راهی جز راه راست را پیموده است.^{۴۱}

5-2- روش صحیح تفسیر قرآن

تفسیر قرآن به معنای واقعی به نحوی که مفسر در فهم معنای آیه، اجتهاد و کوشش را در پیش گیرد، بدون این که از دیگران در تفسیر آیه پیروی نماید و یا عقاید خود را بر آیه تحمیل نماید، در گرو تحقق زمینه ها و رعایت اموری است که به آنها اشاره می کنیم:

1- آگاهی از قواعد زبان عربی؛ 2- آگاهی از معانی مفردات قرآن؛ 3- تفسیر قرآن به قرآن؛ 4- مراجعه به شأن نزول ها؛ 5- مراجعه به احادیث صحیح؛ 6- توجه به هماهنگی مجموع آیات قرآن؛ 7- توجه به سیاق آیات؛ 8- آگاهی از آرای مفسران اسلامی؛ 9- پرهیز از هر نوع پیشداوری؛ 10- آگاهی از بینش فلسفی و علمی؛ 11- آگاهی از تاریخ صدر اسلام؛ 12- آگاهی از قصه ها و تاریخ زندگانی پیامبران 13- آگاهی از تاریخ محیط نزول قرآن؛ 14- شناخت آیات مکی از مدنی.

موارد فوق، پایه های چهارده گانه «روش تفسیر صحیح» قرآن است که برخی اولویت خاصی دارند، هرچند می توان برخی از آنها را در برخی دیگر ادغام کرد؛ مانند آگاهی از تاریخ اسلام و قصص پیامبران که می توانند به گونه ای در «شأن نزول» داخل شوند؛ ولی ما برای روشن گویی، هر یک را جداگانه ذکر نمودیم.^{۴۲}

بند ششم: مهجوریت قرآن در عمل

41 محمد هادی، معرفت، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چ اول، 1379، ص 72.

42 جعفر سبحانی، روش صحیح تفسیر قرآن، مجله قسبات، سال هشتم، شماره 29

قرآن کتابی است که به پیروان خود برنامه زندگی می‌دهد و هدف اصلی آن نیز اجرای همین برنامه هاست. بسیاری از کشورهای اسلامی مخصوصاً آنها که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند، قرآن را به صورت یک کتاب تشریفاتی درآورده اند، در حالی که قرآن کتاب عمل است و عمل کردن به آن واجب شمرده شده است.^{۴۳}

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْهِ مَعَادٍ ۚ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ ۖ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^{۴۴} آن کس که قرآن را بر تو فرض کرده، تو را به جایگاهت (زادگاهت) باز می‌گرداند! بگو: پروردگار من از همه بهتر می‌داند، چه کسی (برنامه ی) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است!

در این آیه، مفعول دوم فعل «فرض» در تقدیر است که مفسران آن را «عمل» گرفته اند.^{۴۵} بنابراین تقدیر، معنای جمله ی «فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ» این چنین می‌شود: واجب کرده بر تو عمل به قرآن را، یعنی عمل به آن احکامی که وجود دارد.^{۴۶}

تمام مراحل و مراتب ارتباط با قرآن اعم از آموزش قرائت، تدبر، انس و آشنایی با معارف الهی قرآن، مقدمه ای برای عمل کردن است. اگر قرآن در عمل و رفتار و گفتار و شخصیت انسان و جامعه تجلی نیابد و ظهور و بروز پیدا نکند، هرگز به قرآنی شدن انسان و جامعه نخواهد انجامید، عمل به قرآن است که جان‌ها را منقلب و جوامع را تعالی می‌بخشد.

از این رو، اکتفا به آموزش، تعلیم و قرائت، تدبر و شناخت مفاهیم قرآنی و برگزاری جشنواره و نمایشگاه ها، فقط می‌تواند ظاهر و نام قرآن را از مهجوریت و غربت برهاند. در حالی که مهجوریت و غربت اصلی، عمل نکردن و پیاده نشدن فرامین و اهداف قرآنی در عمل و رفتار مردم و متن جامعه است.^{۴۷}

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای انزوای قرآن را چنین توصیف می‌نماید:

از وقتی که قدرت‌های مسلط بر جوامع اسلامی از ارزش‌های اسلامی، تهیدست و بیگانه شدند و قرآن را که ناطق به حق و فرقان حق و باطل بود مزاحم خود یافتند، تلاش برای بیرون راندن کلام خدا از صحنه زندگی

43 ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، قم، دارالکتب الاسلامیه، 1366، ص 77.

44 سوره قصص (28)، آیه 85.

45 علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج 8، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، 1377 ش، ص 95.

46 محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، همان، ص 86.

47 رک. کتاب وحی، مجله گلستان قرآن، ش 167، ص 70.

آغاز شد و به دنبال آن جدایی از این زندگی اجتماعی و تفکیک دنیا از آخرت و تقابل دین داران واقعی با دنیا طلبان قدرتمند به وجود آمد، اسلام از منصب اداره عرصه‌های زندگی جوامع مسلمان پایین کشیده شد و به مساجد و معابد و خانه‌ها و کنج دلها اختصاص یافت و جدایی خسارت بار بلند مدت دین از زندگی پدید آمد. امروز نگاهی به صحنه زندگی مسلمانان بیفکنید، ببینید قرآن در کجاست؟ در دستگاه‌های حکومت؟ در نظام‌های اقتصادی؟ در تنظیم روابط و مناسبات مردم با یکدیگر؟ در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها؟ در سیاست خارجی و روابط با دولت‌ها؟ در تقسیم ثروت‌های ملی میان قشرهای مردم؟ در خلق و خوی مدیران جوامع اسلامی و همه قشرهای ملت‌ها که کم یا بیش از آنان تأثیر می‌پذیرند؟ در رفتار فردی احکام اسلامی؟ در روابط زن و مرد؟ در خوراک و پوشاک؟ در کدام جلوه اصلی زندگی؟ در کاخ‌ها؟ در سپرده‌ها و اندوخته‌های بانکی؟ در معاشرت‌ها؟ در کجای حرکت عمومی و اجتماعی انسان‌ها؟ از این همه میدان‌های زندگی، تنها مساجد و مأذنه‌ها و احیاناً برای ریاکاری و مردم فریبی بخش ناچیزی از رادیوها مستثناست. اما آیا قرآن برای همین است؟ سیدجمال صدسال پیش از این می‌گریست. می‌گرياند که قرآن مخصوص هدیه دادن و زینت کردن و خواندن بر مقبره‌ها و نهادن بر طاقچه هاست، در این صدسال چه تغییری حاصل شده است؟ آیا وضع قرآن برای امت قرآن نگران کننده نیست،»^{۴۸}

بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) در مقدمه وصیت نامه خویش می‌نویسد:

«ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگ ترین نسخه نجات دهنده بشر از جمعی قیودی که برپای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد.»^{۴۹}

قرآن کریم هدف از نزول خود را عمل به فرامین و دستورات آن می‌داند و از مخاطب خویش انتظار پیروی دارد.

48 پیام آیت الله خامنه ای در زمان ریاست جمهوری به کنفرانس اندیشه اسلامی، بهمن ماه 64، نقل از قرآن در آینه اندیشه ها

49 روح الله، موسوی خمینی، وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، چاپ اول، انتشارات بهار دلها، 1395.

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^{۵۰} و این قرآن مبارک کتابی است که ما با برکت و علم حکمت و خیر بسیار فرستاده ایم از آن پیروی کنید و پرهیزکار شوید که مشمول مرحمت و لطف ایزد گردید. »

در تلاوت آیات قرآن آیاتی چون «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^{۵۱} و از انتقام من بترسید و آیات مرا به بهای اندرک نفروشید که هر کس بر خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کسی از کافران خواهد بود.» را به آسانی می‌خوانیم، اما در عمل به آن سختی‌های بسیاری را باید به جان خرید. به همین جهت باید بین سهل و آسان بودن قرآن: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^{۵۲} و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد.» و میان سخت و دشوار بودن قرآن «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»^{۵۳} ما به وحی خود کلام بسیار سنگین را بر تو القا می‌کنیم.» تفکیک شود.

برخی معتقدند «قول ثقیل» دشواری مادی نیست؛ بلکه مقصود دشواری بار مسئولیت است که بردوش انسان می‌آید.^{۵۴}

در سایه تحمل این سختی‌ها و تحمل بار مسئولیت است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ بهشت را برای عمل کنندگان به قرآن تضمین می‌نماید:

«الا من تعلم القرآن وعلمه وعمل بما فيه فانا له سائق الى الجنة و دليل الى الجنة»^{۵۵} آگاه باشید هرکس قرآن را فراگیرد و به دیگران نیز آموزش دهد و بدان چه در آن است عمل نماید او را به سوی بهشت هدایت و راهنمایی خواهیم نمود.»

50 سوره انعام (6) آیه 155.

51 سوره مائده (5) آیه 44.

52 سوره قمر (54) آیه 22.

53 سوره مزمل (73) آیه 5.

54 فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، ج 23، ذیل آیه 5 مزمل، بیروت، دارالملاک، 1419ق، ص 83.

55 نهج البلاغه، حکمت 228

تلاوت ظاهری قرآن، بدون عمل به آن، ممکن است آثار زیانباری به دنبال داشته باشد. تلاوت قرآن با اهداف ریاکارانه و نیز خواندن قرآن همراه با شناخت پیام خدا اما بدون عمل، ممکن است زمینه انحطاط و گمراهی انسان را فراهم سازد.

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: «من قرا القرآن فمات فدخل النار فهو ممن كان يتخذ آیات الله هزواً»^{۵۶} کسی که قرآن بخواند و پس از مرگ داخل آتش گردد، از کسانی بوده که آیات خدا را استهزاء کرده است». ابن ابی الحدید در ذیل این سخن حضرت می نویسد: «شاید مقصود امام از استهزاءکننده آیات الهی کسی است که به نزول قرآن از جانب خداوند معتقد است و لکن به واجبات آن عمل نمی کند؛ چنانکه بسیاری از مردم در روزگار ما چنین اند.»^{۵۷}

در بعضی از کشورهای اسلامی مدارس پر طول و عرضی به عنوان مدارس «تحفیظ القرآن» دیده می شود و گروه عظیمی از پسران و دختران به حفظ قرآن مشغولند. در حالی که اندیشه های آنان گاهی از غرب و گاه از شرق، و قوانین و مقرراتشان از بیگانگان از اسلام گرفته شده است، و قرآن فقط پوششی است برای خلافتکاری هایشان.

آری، امروز هم پیامبر ﷺ فریاد می زند «خدایا! قوم من قرآن را مهجور داشتند» مهجور از نظر مغز و محتوا، متروک از نظر اندیشه و تفکر و متروک از نظر برنامه های سازنده اش.^{۵۸}

مسلمانان همواره با توجه به آیه 30 سوره فرقان، دل نگرانی ویژه ای داشته اند که مبدا در حق قرآن کوتاهی کرده باشند امروز نیز با تغییرات فرهنگی وسیعی که در زندگی جوامع اسلامی بخصوص در زمینه تحصیلات مدرن رخ داده، این نگرانی بیشتر شده است، تأسف آنجا رخ می نماید که به ما امر شده تا قرآن را با زندگی خود در آمیزیم و در مسائل و حوادث روز به آن رجوع کنیم: «هنگامی که فتنه ها همانند پاره های شب تیره شما را فرا گرفت به قرآن چنگ زنید.»^{۵۹}

56 ابن ابی حدید، معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج 19، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404 ق، ص 53.

57 همان.

58 ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 15، همان، ص 76-77.

59 علاء الدین بن حسام الدین، متقی الهندی، کنز العمل فی سنن الاقوال و الافعال، ج 1، بیروت، 1423، ص 427.